



دین و جوان امروز

ناهید کهن^۱

چکیده

این تحقیق به خصوصیات جوانان، ارزش دوران جوانی و سن جوانی از دیدگاه آموزه‌های دینی پرداخته است. هدف این تحقیق تحلیل و تبیین دوره جوانی در عصر در آموزه‌های دینی و همچنین بررسی ویژگی‌های جوان است. دوره جوانی یکی از مراحل مهم، سرنوشت ساز و حساس زندگی انسان است. این دوره از زندگی که پس از دوره نوجوانی آغاز می‌شود و تا میان‌سالی ادامه دارد، دارای ویژگی‌ها و رخداد‌های ویژه‌ای است. در این دوران تحولات عظیمی در درون فرد روی می‌دهد. در این سنین، افراط تندروری، غرور، خودشناسی، تردید، اضطراب، خیالات، تهور، استدلال قوی هوش در بالاترین درجه خود قرار دارد استعدادها به اوج می‌رسد. از این رو، فرصت یک فرصت طلایی است. گو اینکه ترقی انسان در این سن شکل می‌گیرد انحطاط سقوط نیز در همین سن به وقوع خواهد پیوست. در اهمیت این دوران همین بس که طبق سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) یکی از مهم‌ترین چیزها که در قیامت قبل از برداشتن قدم از قدم مورد سؤال قرار می‌گیرد، دوران جوانی است. دوران نوجوانی با زمان بلوغ همراه است. در این دوران، نوعی بی‌ثباتی عاطفی، روانی و فکری بر نوجوانان حاکم می‌شود. آن‌ها در پی کسب هویت خویش و به دنبال اثبات شخصیت خود هستند. اگر دوران نوجوانی به خوبی طی شود، دوران جوانی از وضعیت مطلوب تری برخوردار خواهد بود. در دنیای کنونی، دوران جوانی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در طول تاریخ، به ویژه در عصر حاضر، از موضوعات مهم و کلیدی به شمار می‌رود. اسلام، به‌عنوان مکتبی جامع، برای رشد و شکوفایی نسل جوان، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است. به همین جهت با ارائه برنامه‌های راه‌گشا، تمهیدات لازم را برای تحقق آن فراهم نموده است. تمام روان‌شناسان که پیرامون رموز و اسرار روح انسان نظر داده‌اند، دوران جوانی را حساس‌ترین و طوفانی‌ترین فراز راه زندگی نامیده‌اند. در این تحقیق که از روش توصیفی تحلیلی بهره گرفته شده به ارزیابی و جایگاه جوان پرداخته است.

کلمات کلیدی: جوان، استقلال، آداب، بلوغ، آموزه‌های دینی.

مقدمه

از آنجا که یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های هر مملکت نیروی انسانی آن و مهم‌ترین طبقه نیروی انسانی هر کشور نسل جوان آن می‌باشد و با توجه به کشور ایران که از جمله کشورهای جوان به لحاظ وجود نیروی انسانی محسوب می‌شود، پس لازم و ضروری است که هر چه بیشتر به خواسته و نیازهای این طبقه مهم و سرنوشت ساز نه تنها برای حال بلکه برای آینده کشور و بهره‌گیری و ارتباط مناسب و خدمات رسانی به سایر مناطق توجه ویژه بنماییم و این مهم مستلزم این است که همگان از جمله خانواده، اطرافیان و مسئولان قبل از قبول مسئولیت به شناخت و پذیرش و درک جوانان و توجه به نیاز آنان و نیاز روز جوامع داخل و خارج از مرزها بپردازند.

مهم‌تر از تمام این مسائل توجه زوج جوان قبل از این که تصمیم به داشتن فرزند داشته باشند این که به شرایط روحی و روانی و جسمی خویش علاوه بر آن به وجود امکانات و محیط مناسب به طور نسبی توجه بنمایند. تا همگان بتوانند به طور مناسب و شایسته با این طبقه از جامعه برخورد مناسب و مثبت داشته باشند و به تناسب آن برای رشد و اعتلای جامعه و حل مسائل درونی و سپس مشکلات و مسائل به وجود آمده در جامعه به تناسب نیاز روز و ارتباط سالم و سازنده با سایر مناطق که نیاز روز همگان بخصوص قشر سرنوشت ساز جامعه می‌باشد پرداخته شود.

دوره جوانی از مهم‌ترین دوران و مراحل شکل‌گیری شخصیت هر فرد انسانی می‌باشد، واضح است که موفقیت و پیروزی هر فرد بسته به شرایط و عواملی است که بدون ایجاد آن شرایط و عوامل هرگز در راه رسیدن به اهداف سالم و مثبت خویش به آن موفقیت و پیروزی نخواهد رسید. بحث و صحبت درمورد جوان از ابتدای خلقت و درطول تاریخ وجود داشته است طوری که سرچشمه و سرآغاز تغییر و تحول و یا پیشرفت در جوامع، گروه و نهادها از خط فکری جدید و سالم فرد جوان اگر در صورتی شرایط برای ایشان مناسب و مساعد باشد سرچشمه می‌گیرد. اگر بخواهیم به تاریخ اسلام برگردیم رسول خدا (ص) فرمودند: سفارش می‌نمایم شما را که با جوانان به خوبی و نیکی رفتار نمایید چرا که آنان نازک دل‌ترند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت، این جوانان بودند که به من گرویدند و یاری‌ام دادند اما بزرگسالان به مخالفت با من برخاستند (قمی، ۱۴۰۰ هـ).

در طول تاریخ نمونه جوانان متعهد، مسؤل، کارآمد و روشن فکر که درس جوانی با هوشیاری متوجه وضعیت جامعه ای که در آن سکونت داشته‌اند بسیار به چشم می‌خورد که تحولی شگرف و رو به سعادت در آن جوامع به وجود آورده‌اند همچون ابراهیم خلیل (ع) که در سن جوانی برابر حکومت جبار نمود و آن همه مردم کافر و گمراه ایستاد تا رسالت الهی را به گمراهان اجتماع ابلاغ نماید و آنان را بیدار کند. اسماعیل ذبیح، یوسف صدیق، محمد امین و حضرت علی (ع) که تمام این اشخاص از جوانان محبوب، مسؤل و متعهد نسبت به جامعه و وضعیتی که در آن به سر می‌بردند، بوده‌اند.

دوره جوانی و نیازهای آن

جوان یعنی سؤال، شور و نشاط، تغییر و تنوع، پرسشگری، خواهان حقیقت، جستجوگر، طالب حق، تلاش کننده و خیرخواه، حق بین و دلسوز و نگران. نگران آینده خود و دیگران، خواهان عدالت و مهر ورزی، حساس، مسؤول و آزاد اندیش. خواستار هدایت، محبت و حمایت، قدردان و مؤدب، زود رنج و پایبند. با این اوصاف و ویژگی‌ها که در این طبقه سرنوشت‌ساز برای حال و آینده اجتماع انسانی وجود دارد بسیار لازم و ضروری است که توجه ای ویژه و عمیق نسبت به این طبقه از طرف پدر و مادر، اطرافیان، بزرگان و مسئولان وجود داشته باشد تا بتوان نوشته‌ها و طرح‌ها را برای اجتماع بشری به تناسب نیازهای به وجود آمده در هر دوره و زمان به مرحله اجرا درآید در غیر این صورت نه تنها اجتماع بشر راه سعادت و سلامت را نمی‌پیماید و از ارتباط‌های منطقی و سالم جهانی برخوردار نمی‌شود بلکه راه عقب گرد و انزوا را می‌پیماید و در پی آن نارسایی و بدنبال آن ناراحتی‌های روحی - روانی درجوامع مشاهده می‌شود.

جوانی بهار عمر، جوانان جان جامعه، نوجوانان جوانه‌های سبز حیات و نمونه‌های ناب تلاش و نشاط شمرده می‌شوند. اگر وقت طلا است، اوقات جوانی کیمیا است و اگر عمر روزی بیش نیست جوانی صبح سبز و پگاه پاک آن روز است. جوانان امروز، رهبران فردا و آینه آینده‌ها می‌باشند و اگر بخواهیم آینده هر جامعه ای را ارزیابی و پیش بینی نماییم، لازم است جوانان و نوجوانان آن جامعه را در نظر داشته و فردا را با فکر و فرهنگ آن‌ها بسنجیم و در رابطه با هر فرد نیز، قضیه از همین قرار است زیرا که «سالی که نکوست از بهارش پیداست» (شرفی، ۱۳۹۰).

لازم است که با زمانه و نگاه فکر جوان به جامعه نگاه کرد و برای صدور فرهنگ ایرانی - اسلامی مرحله نخست ساخت جامعه درونی با استفاده از نظرات سالم و سازنده ایشان به جلو حرکت نمود. اما این دوران متضمن نیازهایی به قرار زیر است.

- نیاز به امنیت: به این معنا که جوان بتواند تا حدود متعادلی نسبت به محرک‌هایی که از محیط خانواده، جامعه، آموزشگاه و گروه همسالان دریافت می‌نماید پاسخ مناسب داده و از نوعی آرامش درونی برخوردار باشد و بر نگرانی‌های خاص این سنین فائق آید.

- نیاز به پذیرش: فرد جوان نیازمند این است که از قبل در خانواده، جامعه و محل تحصیل به ویژه در نزد گروه همسال خویش شرایطی برای برخورداری از یک جایگاه و منزلت قابل قبولی برخوردار باشد و این شرایط نه تنها از قبل باید وجود داشته باشد بلکه از سوی نهادهای ذکر شده به خوبی پذیرفته شده باشد.

-نیاز به موفقیت و پیشرفت: فرد جوان خواهان افتخار و کامیابی می‌باشد و هر عاملی که بتواند احساس تعالی را در او به وجود آورد، مورد قبول ایشان است. هر نوع پیشرفت نسبی برای جوان که مورد تأیید اطرافیان و تشویق آنان واقع شود او را در اتخاذ گام‌های بلند و اساسی به سوی آینده یاری و رهنمون می‌سازد (شرفی، ۱۳۹۰).

-نیاز به داد و ستد عاطفی: نیاز روحی جوان خواهان دوست داشتن و مورد محبت قرار گرفتن است فرد جوان به همان اندازه که مایل است با دیگران، رابطه‌ای براساس عواطف پاک و سالم برقرار نماید، نیاز دارد که متقابلاً از لطف و محبت دیگران برخوردار شود. ابراز محبت در جلوه‌های مختلف قلبی، زبانی و عملی، موجب اطمینان خاطر ایشان می‌باشد.

-نیاز به فهم راز آفرینش: اگر جوان بداند که چرا باید زندگی کند، قادر خواهد بود با مشکلات خاص زندگی به خوبی مقابله و در جهت مثبت و سعادت خود و جامعه گام بردارد. لازم و ضروری است که جوان را با مسائلی از قبیل راز آفرینش، فلسفه زندگی و فلسفه مبارزه برای زندگی آشنا نماییم و باز ضروری است که فکرایشان را در ارتباط با این قبیل مسائل هدایت و تقویت بنماییم.

-نیاز به معنویت: فرد جوان، از روحی پاک و قلبی زلال برخوردار است و مایل است که با مبدأ هستی و پروردگار متعال بر اساس فطرت و طبیعت پاک و سالم خویش، رابطه‌ای روشن، قابل درک و مستمر داشته باشد. موجب بسی خوشحالی و مباهات است که این نیاز اصیل‌ترین احتیاج روحی فرد جوان محسوب می‌شود که با این وجود مسؤولیت خانواده، اطرافیان و معلم و مربیان در این زمینه دو چندان و بس خطیر می‌نماید که مبادا با اندکی غفلت و ناآگاهی و خطایی کوچک بر این روحیه پاک فرد جوان تأثیر سوء گذارده شود و درعین حال جوان عزیز خود براساس بینش و آگاهی فطری و طبیعی پاک و سالم که از درون برخوردار است باید کاملاً متوجه و آگاه باشد که با دیدن یا روبه رو شدن با خطای محیط اطراف نباید از فطرت پاک خویش کناره بگیرد که نتیجه این کناره‌گیری برای خود ایشان خطرناک می‌باشد. اینکه باعث آشفته‌گی درون می‌باشد پس لازم است که در این زمینه فرد جوان از یک ثبات درونی ارتباط قلبی با خالق خویش برخوردار باشد (شرفی، ۱۳۹۰).

-نیاز به خود شکوفایی: وجود شور و نشاط، چراها و کنجکاوای های درونی فرد جوان شرایط و محیط مناسبی را خواهان است که علاقه و استعداد های خویش را در محیط و زمان مناسب شکوفا نماید و به این طریق اسرار وجود خویش را برای آینده‌ای روشن و خدمت مثبت و مناسب به دیگران جلوه‌گر نماید (شرفی، ۱۳۹۰).

آداب جوانی و صفات آن

آداب از ادب می‌آید. قال علی (ع): «یا مَعْشَرَ الْفِتْیَانِ حَصِّنُوا اَعْرَاضَكُمْ بِالادْبِ وَ دینکم بالعلم». حضرت علی (ع) فرمودند: «ای گروه جوانان: آبرو و شرف خویش را با ادب و دین خود را با دانش حفظ نمایید» (یعقوبی، ۱۳۸۵).

آداب یعنی درک و فهم از شرایط و شناخت محیط و جامعه ای که در آن به سر می‌بریم و اینکه چگونه بتوانیم در آن شرایط سالم زندگی نماییم. به نوعی آداب همان علم به وظیفه می‌باشد یا علم به چگونه رفتار نمودن در تعامل با محیط و اطرافیان و اینکه در هر شرایط و مکان که قرار داریم بدانیم چگونه عمل و رفتار نماییم. بحث مهمی که در این زمینه پیش می‌آید اینکه جوان و نوجوان عزیز باید در زمان خاصی حقیقت این امر را بداند که طریقه برخورد صحیح و سالم با محیط و اطرافیان و یا حتی با خود چگونه است به عبارتی آماده شدن برای رسیدن به سن تکلیف. در قسمت آداب بحث مهم تکلیف پیش می‌آید زیرا تکلیف به معنی مکلف شدن جوان به دانستن وظایف و آداب دینی، اجتماعی است. تکلیف یعنی وظیفه و دانستن مسئولیت و انجام کارهایی که برای یک جوان برای رسیدن به یک زندگی سالم در جامعه و در تعامل با محیط اطراف، اطرافیان و برای مطرح شدن ایشان در جامعه پیش می‌آید. بحث آداب و تکلیف با بلوغ همراه می‌باشد. بلوغ یعنی بالغ شدن از ریشه بلغ به معنی رسیدن به حدی یا حدودی می‌آید. همان طور که در آغاز در قسمت کلید واژه از بلوغ صحبت شد یعنی رسیدن به انتهای مقصد اعم از آنکه مکان باشد یا زمان یا امری معین و گاهی نزدیک شدن به مقصد مراد می‌باشد هرچند به آخر نرسد. «ولما بلغ اشدّه اتیناه حکماً و علماً؛ چون به جوانی رسید به او حکم و علم عطا کردیم» (سوره یوسف / ۲۲).

در این زمان فرد جوان بعد از سپری کردن دوران بازی و روزگار کودکی به زمانی رسیده است که باید یک سری تکالیف آداب و وظایف را بداند و بدان‌ها جامه عمل بپوشد و بدان آراسته شود. بدین خاطر که به وجود حاضر خویش هویت بیشتری بدهد و آمادگی بیشتری برای اظهار وجود و ورود به جامعه بزرگ‌تر از خانواده پیدا نماید. بلوغ یعنی رسیدن به زمان لازم برای انجام این تکالیف. البته در اینجا لازم به ذکر است که سن بلوغ و زمان رسیدن به انجام تکالیف بسته به شرایط آب و هوا، نوع تغذیه و در حال حاضر در برخی مکان‌ها با در نظر گرفتن مواد مصنوعی و هورمون‌های بکار گرفته شده در مواد غذایی و سایر چیزهایی که ممکن است برخی جوانان از آن استفاده می‌نمایند این زمان و سن حدود آن تغییر داشته باشد به عبارتی ممکن است زمان آن کم یا زیاد شود.

مهم‌ترین صفات دوران جوانی را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

- **جوان، هنر و زیبایی:** خلق آثار هنری برای زیبا سازی و زیبا جلوه دادن به طور طبیعی برای آرامش انسان و فرو رفتن در فکر و تفکر برای مصنوعات و ساخته‌های شگرف الهی مفید می‌باشد. تغییر و تحول که ابعاد روح و زندگی جوان

را در بر گرفته و به جامعه و دنیا کشیده می‌شود و سرانجام آن اینکه این تغییر و تحول در نهایت ارتباط جهانی را باید به وجود آورد. شور و نشاط درون فرد جوان بیش‌ترین عامل بوجود آمدن تغییرات و تحول و خلق آثار هنری و زیبا سازی و معماری باشد. البته جوان امروز بدنبال این شور و نشاط به تناسب وجود شرایط و فراهم بودن زمینه‌های لازم خواهان کشف و دانستن رموز جهان و درپی آن شناخت آداب و رسوم، فرهنگ و هنجارها نه تنها در جامعه خویش بلکه در سایر نقاط دنیا می‌باشد و درپی آن خواهان این است که آثار هنری و خلاقیت فکری ایشان و کشفیات بلافاصله در معرض دید عموم گذاشته شود و قدردانی از ایشان انجام شود (اکبری، ۱۳۸۲).

خداوند زیبایی و زیباسازی را دوست دارد و نازیبایی و ژولیدگی را دوست ندارد. کسی که زیبایی را خوب می‌بیند، از کردار نازیبا «گناه» چشم پوشی می‌نماید.

- عفاف و پاکدامنی: در قرآن کریم چهار مرتبه از واژه عفاف استفاده شده که در زمینه کنترل در امور جنسی در آیات ۳۳-۳۰ از سوره نور و در امور مالی و اقتصادی در سوره بقره آیه ۲۷۳ و سوره نساء آیه ۷ می‌باشد. خداوند در قرآن کریم عفت را از ویژگیهای افراد مؤمن دانسته است. «کسانی که اسباب زناشویی نمی‌یابند پاکدامنی و عفاف ورزند».

به طور معمول کلمه عفاف با لفظ پاکدامنی به کار می‌رود. عفاف یعنی عفت ورزیدن و سالم ماندن از خطراتی که همواره جوان یا هر فرد دیگری را در جامعه تهدید می‌نماید. البته برای پاک و سالم ماندن از این خطرات ابتدا لازم است از دوران کودکی که فرد جوان در نهاد خانواده تربیت و پرورش می‌یابد به گونه ای پرورش یابد تا قبل از زمان بلوغ یا همزمان با آن که نشانه‌های اوج احساسات پاک جوانی و یا بلوغ که همراه است با رویکردهای حساس درون، تن و روان جوان طوری قوی و نیرومند باشد که با روبرو شدن یا دیدن یک منظره و یک حس مصنوعی کاذب احساس درونی ایشان را بر عقل و اندیشه او غالب نشود بلکه طوری پرورش یابد که همواره عقل روشنگرانه ایشان بر حس کاذب یا حس مصنوعی فائق یا غالب شود. امام باقر (ع): «برترین عبادت پاکدامنی است» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ج ۶: ۳۵۹).

حضرت علی (ع): «اهل العفاف اشرف الاشراف». پاکدامنان بالاترین شرافت‌ها را دارند» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ج ۶: ۳۵۹).

- حیا: کلمه حیا به طور معمول در زبان فارسی با شرم همراه می‌باشد. به عبارتی تعریف حیا یعنی قطع کردن یا ادامه ندادن به کار ناشایست و خلاف. به طور دقیق می‌توان گفت که حیا نقطه توجه خود آگاهی است که زمان سیر انسان به طرف انجام کار خطا را هشدار می‌دهد و او را از انجام یا ادامه آن باز می‌دارد. لازم به ذکر است که درجات مختلف حیا درون افراد بسته به نوع فرهنگ، اجتماع و تربیت خانوادگی ایشان دارد. انگاره‌های حیا نیز در نزد افراد جوامع ممکن است

متفاوت باشد و این تفاوت بر گرفته از نوع دین، مذهب، فرهنگ و اجتماعی که در آن سکونت دارند می‌باشد (اکبری، ۱۳۸۲).

به عبارتی حیا یک بازدارنده و کنترل کننده درونی برای اجتماع بشری می‌باشد. لازم به ذکر است که فرد جوان در عین اینکه باید از یک حیای درونی در دوران جوانی و نوجوانی برخوردار باشد اما در عین حال از درجاتی از بلند نظری، آگاهی یا خود آگاهی و روشنفکری به تناسب برخوردار باشد. امام صادق (ع): «لا ایمانَ لمن لا حیاءَ له؛ کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد» (مجلسی اصفهانی، ۱۹۸۳، م، ج ۷۸: ۱۱۱).

با ذکر این حدیث و قبل از ادامه دادن به احادیث دیگر در زمینه حیا، توضیح دیگری را به این عنوان که حیا به دو قسم تقسیم می‌شود، لازم است بیان نماییم. ۱- حیای سازنده ۲- حیای زیانبار در این مورد قابل ذکر است که از نظر اسلام، مطلق حیا پسندیده نمی‌باشد. به عبارتی در زبان فارسی این که یک فرد بسیار احساس شرم نماید مطلوب نیست. از دید رسول خدا (ص) حیا به دو گونه است: ۱- حیایی که برخواسته از حکم عقل ۲- حیایی که نشانه حماقت و نادانی است. الحیاءُ حیاءان: حیاءُ عقل و حیاءُ حُمق (صدوق، ۱۳۶۲: ۵۱۲).

وظایف جوان در دیدگاه دین

از منظر آموزه‌های دینی، دوران جوانی تکالیف و وظایفی را بر عهده دارند. مهم‌ترین این وظایف و تکالیف عبارتند از: -کار و تلاش: انسان‌ها شکست نمی‌خورند بلکه تلاش کردنشان را متوقف می‌سازند. شکست برای انسان‌های بزرگ وجود ندارد، زیرا براین باورند که یا راهی خواهند یافت یا راهی خواهند ساخت. منتظر اما متوقف نباش، تأمل کن اما معطل نکن، سرسخت باش اما لجباز نباش، صریح باش اما گستاخ نباش، صبور باش اما بی خیال نباش، شتاب کن اما شتاب زده عمل نکن. قال رسول الله (ص): «ان الله ملکاً یُنزل فی کل لیله و ینادی: یا ابناءَ العشرینِ جدوا و اجتهدوا؛ رسول خدا (ص): «فرمود خدا را فرشته ای است که هر شب از عرش فرود آید و ندا دهد ای بیست ساله‌ها جد و جهد کنید و تلاش بورزید» (محدث نوری، ۱۳۲۱، ج ۲: ۳۵۳).

تلاش صحیح و هدفمند و دارای ارزش برای افراد جوان و هدایت یابی آنان در جهت نوع تلاش و کار بر اساس سلیقه و علاقه ایشان بسیار مهم می‌باشد که از طرف بزرگان و افراد دانا باید که هدایت و حمایت شوند در اسلام بیکاری مردود و کار امر مقدس شمرده شده است کار نیز برای جوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر می‌باشد هر پیشه، صنعت و هنری که زمانی از وقت فردی را بگیرد و نتیجه و بازدهی مثبت داشته باشد کار شمرده می‌شود. قرآن کریم درباره ارزش کار می‌فرماید: «و ان لیسَ للانسانِ اِلا ما سَعی» (النجم / ۳۹). چیزی برای انسان نمی‌باشد یا بوجود نمی‌آید مگر با سعی و

تلاش این آیه را همواره باید مد نظر داشته باشیم. سعی و تلاش در جهت مثبت رفع مشکلی از اجتماع برداشت باری برای پیشبرد صلاح و رستگاری جامعه به تناسب براساس درجات قدرت و فکر فرد لازم است.

نتیجه اینکه کار و تلاش نه تنها جوان عزیز بلکه تمام انسان‌ها را از بیهودگی نجات می‌دهد. چه بسیار کسانی که با کمال تأسف به خصوص در دوره جوانی برای کارایی و اشتغال هدایت و حمایت نشده‌اند و برخی از آنان به بیماری‌های روان تنی و گروهی دیگر به کارهای خلاف اخلاق و قانون روی آورده یا می‌آورند. قال صادق (ع): «علیک بالاحداث، فانهم اسرع الی کل خیر؛ نوجوانان را دریاب، نوجوانان زودتر به کارهای خیر روی می‌آورند» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۶۶).

-تعامل با سختی‌ها و مصائب روزگار: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ؛ به تحقیق انسان را در رنج آفریدیم» (البلد / ۹۰). درعین حال ضمن آیه ۸۷ از سوره یوسف خداوند می‌فرماید که نباید یأس و ناامیدی بر ما غالب شود. لزوم نوشتن این آیه شریف در قسمت کار و تلاش بیانگر این مطلب می‌باشد که انسان همواره باید تلاش نماید و از ادامه کار مأیوس نشود. و اصطلاح رنج در این آیه بیانگر تلاش و کار مستمر و مثبت می‌باشد اینکه برای رسیدن به اهداف مثبت و کارآمد اینطور نمی‌باشد که همیشه یک خط مستقیم را ادامه دهیم تا به آن اهداف برسیم بلکه همیشه برای رسیدن باید این نکته مهم را مدنظر داشته باشیم که هر لحظه ممکن است مشکلات و خلل‌هایی در رسیدن به اهداف و کار تلاش پیش آید لازم است که با صبر و تحمل این رنج‌ها و خلل‌ها را تحمل نماییم که خود این مشکلات باعث به وجود آمدن افکار نو و رشد و نمو فکر و مغز می‌شود.

قال رسول الله (ص): «يَسْتَحَبُّ غِرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلَمًا فِي كِبَرِهِ؛ پیامبر اسلام فرمود: «خوب است که طفل در خردسالی و نوجوانی با سختی و مشکلات اجتناب ناپذیر حیات که غرامت زندگی است روبرو شود تا در جوانی و بزرگسالی خویشتن دار و صبور باشد» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۱۹۸).

-جوان و علم: علم به همراه ایمان دویالی است برای سیر صعودی انسان‌ها و شکوفا نمودن وجود انسان جهت رسیدن به کمال. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «بی سوادی مایه و ریشه هر شری است. کسب دانش و فهم برای درک نیاز جامعه و کشف راه حل در زمینه‌های مختلف و رفع نیازهای بشری و تولیدات می‌باشد» «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذُكُرُ إِلَّا أَوْلُو الْأَلْبَابِ» (بقره/۲۷۲).

پیامبر (ص) گاهی که در جنگ‌ها اسیر می‌گرفتند می‌فرمود: «اگر هر اسیر ده مسلمان را تعلیم دهد آزاد است.» فرد جوان به خصوص در عصر حاضر خود بر این مسأله واقف می‌باشند که بر علم روز و دانستن کشفیات روزانه باید آگاهی یابند تا بتوانند زندگی سالم به دور از بیماری‌ها داشته باشند و نه تنها در این دنیا از نظر جسم و روح سلامت کافی داشته

باشند بلکه به فکر سلامت آخرت خود نیز باشند. جوان امروز نه تنها مشتاق دانستن علوم و فن آوری و هنرهای روز می باشد بلکه خود تمایل به کشف مسائل نهفته علمی و به وجود آوردن زمینه‌هایی برای ایجاد خلاقیت و آفرینش کارهای هنری خویش و عرضه آن می‌باشند. دنیای امروز، دنیای علم است و دلیل حاکم بودن کفار بر مسلمانان قدرت علمی آنان می‌باشد همین که آن‌ها ساخت هواپیما، فضاپرواز و فن آوری‌های دیگر روز را در اختیار دارند و نوع آوری‌ها را اختراع می‌نمایند قدرت تسلط بر دیگران را می‌یابند قرآن می‌فرماید نباید کفار بر مسلمانان مسلط شوند. پاسخگویی مثبت به این آیه از قرآن مستلزم این است که راه کار لازم فراهم آید. آگاهی، هوشیاری، ارتباط و اعتماد به نفس باید هرچه بیشتر در بین افراد به ویژه جوانان عزیز دو چندان شود.

-مسئولیت و شرکت در اجتماع: فرد جوان در مقطعی از زمان به سر می‌برد که سخت نیاز به قبول مسئولیت و نیاز به شرکت در گروه‌های اجتماعی دارد برای اینکه بتواند نسبت به مسائل گوناگون اجتماعی آگاهی لازم را به دست آورد و بداند که چگونه می‌تواند توانمندی‌هایی که تاکنون کسب نموده برای رفع نیاز و رشد شخصیت خویش در گروه مورد علاقه‌اش ابراز نماید. شرکت در اجتماع که یک نیاز اساسی-اجتماعی فرد جوان است باعث می‌شود: ۱- نسبت به زمان و مکانی که در آن زندگی می‌نماید شناخت کافی به دست آورد. ۲- چالش‌ها، مشکلات، نارسایی‌ها، هنجارها و ناهنجاری‌ها را دریابد. ۳- با خود فکر کند که عوامل مثبت سازنده و توسعه برای رفع معضلات باید چگونه باشد.

شرکت در اجتماع علاوه بر مطالب فوق در عین حال یک نگرش دلسوزانه و خیرخواهانه باید در فرد جوان ایجاد نماید. ایجاد ارتباط سالم و سازنده براساس آگاهی، هوشیاری و سوءاستفاده قرار نگرفتن و شناخت نسبت به محیط و افراد ساکن در جامعه، حس همدردی از درون و تفکر و اقدام درمورد نیازها از نکات مثبت و سازنده برای شرکت در اجتماع است. فرد جوان به خوبی می‌داند که در این قسمت در آغاز باید که ارزش وجودی شخصیت خویش را به خوبی بداند آن را حفظ نماید، زیرا که شخصیت انسان در مرحله نخست بالاترین ارزش‌ها می‌باشد. متانت، وقار را حفظ نماید و در عین حال هوشیار و آگاه، راهنما و هدایت گر جلوه نماید.

-خودشناسی (شناخت هویت): منظور از خودشناسی، همان شناخت خویشتن یا هویت فردی و گاهی کسب هویت می‌باشد. و آن بدین صورت است که آدمی تمایل دارد که خویشتن خود را دریابد و به هویت خویش پی ببرد و بشناسد. امام علی (ع): «تعجب دارم آز کسی که در جستجوی گمشده‌اش بر می‌آید و حال آنکه خود را گم کرده و در جستجوی آن بر نمی‌آید» (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۹۷).

اگر بخواهیم دیگران را بشناسیم ابتدا باید خویشتن خود را به خوبی دریابیم. فرد جوان در عین حال می‌خواهد فردی ممتاز و برجسته باشد و برای رسیدن به این مقام خود را به شخص یا گروهی از اشخاص نسبتاً برجسته نزدیک می‌نماید

یا به اصطلاح خود را با آن‌ها همانند می‌سازد تا به واسطه امتیاز و تشخیصی که آن افراد یا آن گروه دارند تا حدی صاحب تشخیص و امتیاز گردد. این ویژگی مثبت و ممتازی است که هر فرد به خصوص افراد جوان به دنبال آن می‌باشند و باز در این مرحله باید از طرف خانواده، افراد بزرگ‌تر هدایت و حمایت شوند و با آنان در این زمینه مشورت به عمل آید. واگر افراد بزرگ‌تر نظر صائب تری نسبت به نظر جوان دارند باید شرایط پذیرش این نظر را برای فرد جوان ایجاد نمایند نه اینکه نظر خود را به زور به ایشان تحمیل نمایند. برای کمک به فرد جوان در این زمینه باید از همان سنین کودکی و نوجوانی شخصیت فرد جوان مورد احترام و توجه قرار گیرد و همواره نظر ایشان را در مسائل مختلف و مورد نیاز جویا شوند و به عبارتی به نظرشان بها دهند و مشورت لازم با ایشان انجام گیرد. که از خانواده و اطرافیان شروع و به دوست، گروه و غیره خاتمه می‌یابد البته خود جوان نیز در آداب و ارتباط با دیگران این احترام را باید به طور متقابل در نظر داشته باشد. احترام متقابل حس مناعت طبع و اعتماد و عزت نفس در ایشان رشد می‌دهد و زمانی که به دوره جوانی گام می‌نهد در خود احساس ارزش و منزلت می‌نماید و به نوعی به خود باوری دست می‌یابد و در حقیقت هویت فردی ایشان به نحو مناسب شکل می‌گیرد. در این مرحله جوان می‌تواند شناخت دقیق‌تر و مناسب‌تر از خود داشته باشد و به دنبال آن استعداد و علاقه خویش را بهتر دریابد و حس پذیرش مسئولیت در ایشان با شناخت بهتر انجام می‌شود و با خلاقیت خویش به دیگران خدمت مثبت ارائه نماید دیگر اینکه پدر و مادر و افراد مسؤل در جامعه با توجه به تلاش و خودشناسی که ایشان داشته است او را همان گونه که هست پذیرا باشند به خصوص در مورد افراد جوانی که از یک نقص عضو یا مشکل جسمی حرکتی و یا از بیماری‌های دیگر رنج می‌برند.

قدر جوانی: قال علی (ع): «رحم الله امرأ عرف قدره و لم يتعد طوره؛ خدا رحمت کند کسی را که قدر خویش را بداند و از حد آن تجاوز ننماید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۴ ه: ۲۳۳).

جوان عزیز باید نسبت به قدرت و نیروی جوانی خویش قدردان باشد و آن را در راهی سالم که صلاح فرد و اجتماع خویش باشد به کار بگیرد. در حدیثی از پیامبر به ابوذر سفارش می‌فرماید: «اغتنم خمساً قبل خمس، شابک قبل هر مک. پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار، از جمله جوانی را قبل از اینکه پیری فرا برسد» (پاینده، ۱۳۶۰: ۳۷۲).

قرآن کریم: «وَلاتنس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن الله الیک و لا تبغ الفساد فی الارض ان الله لایحب المفسدین؛ بهره‌ات را از دنیا فراموش نکن و احسان کن چنانکه خداوند به تو احسان کرد و فساد را در زمین مجوی به درستی که خداوند فساد کنندگان را دوست ندارد.» (قصص / ۷۷).

امام موسی بن جعفر (ع) از پدران خویش، از حضرت علی (ع) نقل می‌فرماید که در تفسیر آیه فوق پنج چیز را فراموش مکن و بیهوده از دست مده «لاتنسَ صحتکَ و قوتکَ و فراغکَ و شبابکَ و نشاطکَ آن تطلبَ الاخر؛ صحت و سلامتی، نیرو و توانایی، فرصت و فراغت، جوانی، نشاط و سرزنده بودن را فراموش نکن تا بوسیله آنها آخرت را بدست آوری.

- جوان مسول: تاریخ جهان نشان داده است که همیشه دگرگونی‌های بزرگ تاریخ را افرادی با اراده و فداکار به وجود آورده‌اند. که اکثر آنان در سن جوانی بوده‌اند. مردم بی اراده و خواهان رفاه مطلق که سطح فکر و توقعات آنان در محدوده خاصی می‌ماند، توانایی آن را ندارند که در وضع زندگی خویش تغییری بوجود آورند تا چه رسد که بخواهند در تغییر سرنوشت جامعه مؤثر باشند و آثار برجسته و مفیدی را برای خدمت رسانی به دیگران در جهت مثبت پدید آورند. جوان عزیز با مطالعاتی که در زمینه تاریخ داشته یا شنیده‌اند بر این امر واقف می‌باشند که غرور پادشاه ستمگر کلدانی بود که مردم تحت حکومت خویش را در خفقان فساد و گمراهی نگاه داشته بود.

الف- ابراهیم خلیل: ابراهیم خلیل در سن جوانی در برابر حکومت جبار نمود و آن همه مردم کافر و گمراه قد علم کرد تا رسالت الهی را به گمراهان اجتماع ابلاغ نماید و آنان را بیدار کند. ابراهیم به خوبی مسئولیت بزرگ و اهمیت کار خویش را درک کرده بود و می‌دانست که یک تنه در برابر دنیای تاریک شرک و مظاهر شوم ما دیگری قیام کرده است پس چه مناسب‌تر که کار خود را از جایی نزدیک شروع نماید نخست ابراهیم «آزر» پدر و مادر خود را مورد خطاب قرار داد و با دلایل نیرومند و درعین حال نرم و ملایم خویش به راهنمایی آنان پرداخت. بدین گونه جوانی برومند به نام ابراهیم خلیل که از جانب پروردگار جهان برای نجات انسان‌ها از ظلمت جهل و بی‌خردی برانگیخته شده بود، با استفاده از نیروی پرشور جوانی قدرت مادی و منطق باطل را در هم شکست و چهره حق و حقیقت را آشکار ساخت.

ب- اسماعیل ذبیح: جوانی نارس که در راه حق از جان خویش گذشت به خاطر فرمانبرداری از پدر و در جهت رضایت پروردگار که به دنبال این از خود گذشتگی، خداوند عملکرد آنها را مشاهده و مورد قبول قرار داد و به جای ذبح اسماعیل گوسفندی را برای قربانی نزد حضرت ابراهیم (ع) فرستاد (شریفی، ۱۳۹۰).

- یوست صدیق: جوانی بی نظیر با اراده ای آهنین و اندیشه ای ژرف. حضرت یوسف (ع) بعد از اینکه سالهای قحطی به پایان رسید و اموال در خزینه های بیت المال سپردند تا با رعایت عدل و مساوات بین مردم تقسیم شود یوسف به عزیز مصر فرمود: «قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظٌ و علیم؛ مرا سرپرست این بیت المال قرارده زیرا من نسبت به آن محافظت می‌نمایم و تدبیر دارم» (یوسف / ۵۵).

در این برخورد و از مفهوم این آیه شریف استنباط می‌شود که چطور حضرت یوسف (ع) در جوانی نسبت به جامعه و محیط افراد با هوشیاری احساس مسئولیت نشان داد و برحسب آگاهی و درجه ایمان و حسابرسی خویش نسبت به امور مردم احساس وظیفه خود را به انجام رسانید.

-محمد امین: محبوب‌ترین جوان مکه که خاتم پیامبران الهی می‌شود. زمانی که پیامبر اسلام متولد گردید، پدر ایشان در قید حیات نبود و موقعی که پنج بهار از عمر ایشان سپری شده بود، مادر جوانش را نیز از دست داد. این خاطره دردناک یعنی مرگ پدر و مادر جوان برای همیشه در ذهن پیامبر باقی ماند. حضرت محمد (ص) تا سن ۸ سالگی در سرپرستی جدش عبدالمطلب به سر می‌برد و سپس که ایشان به درود حیات گفت طبق وصیت او به خانه عمویش ابوطالب آمد و تا ۲۴ سالگی درخانه وی رحل اقامت داشت. بیشترین یاران پیامبر نسل جوان آن زمان بود که به ایشان می‌گرویدند.

حضرت علی (ع): علی (ع) در سن ۱۰ سالگی به پیامبر ایمان آورد و به پدرش فرمود من احمد را که خدا در کودکی و جوانی او را ستوده است برای رضای خدا یاری می‌نمایم. جوانمرد بزرگ اسلام که برای نجات جان پیامبر به جای ایشان دربستر ماند و خطرات را به جان خرید و آن گاه که فهمید که پیامبر سالم مانده است خدا را سپاس فرمود و این آیه از قرآن در شأن این جوان وارسته نازل می‌شود: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رثوفٌ بالعباد، از مردمان کسانی هستند که جان خود را به خاطر خوشنودی خدا می‌فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است» (بقره/ ۲۰۷).

پیامبر بعد از ۸ ماه از هجرت او را به عنوان برادر می‌خواند و با او عقد اخوت می‌بندد و قرآن در آیه ۶۱ سوره آل عمران او را نفس پیامبر می‌نامد و می‌فرماید: «فقل تعالوا ندعُ ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم» (آل عمران/ ۶۱).

نمونه یاری دیگرایشان پیکارهای امام علی (ع) در احد، خندق، بدر نسخه‌ی اصلی یآوری پیامبر و به ثمر نشاندن درخت اسلام از بازوان پرتوان امام علی (ع) است حماسه آفرینی امام علی (ع) در خطبه‌های ۳۷-۳۸-۱۹۲-۲۲۲ و غیره اشاره شده است. چنین است که پیامبر او را در روز غدیر خم به عنوان وصی و جانشین خود معرفی می‌نماید (شریفی، ۱۳۹۰).

مسائل و آسیب‌های دوران جوانی

مشکل‌ترین مساله جوانی در رشد شخصیت و تثبیت هویت این است که فرد نه تنها بخواهد که بزرگسال باشد و در همین جهت برنامه‌ریزی کند، بلکه باید قادر به تشخیص و پذیرش نیروهای متضاد در شخصیت خود نیز بشود و راه‌های موثرتر کنترل خویش را بشناسد. (حدود ۲۰ الی ۲۵ سالگی). چگونگی تثبیت هویت در جوانی به وقایع مهم در زندگی

فرد در این دوره بستگی دارد. به عنوان مثال هویت شغلی و اجتماعی کسی که پس از تحصیلات دبیرستانی به یکی از رشته‌های معلمی وارد می‌شود، با کسی که به یکی از رشته‌های مهندسی وارد می‌شود. متفاوت خواهد بود این هویت‌های گوناگون بطور مسلم تأثیرات خود را بر چگونگی سایر جوانب هویت افراد نیز به جای خواهند گذاشت. اگر در سال‌های کودکی و نوجوانی خانواده بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری هویت بر عهده داشت، اینک در دوره جوانی، محیط زندگی اجتماعی و خود جوان نقش اساسی در تثبیت هویت ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد که تحولات رشد دوره جوانی، بیش از آنکه نتیجه یک تکامل تعامل میان موجود زنده و محیط باشد، یک مجموعه تغییرات پی در پی متأثر از عوامل محیطی است. امروز کمتر کسی را می‌توان یافت که فکر کند رشد شخصیت همراه با کامل شدن رشد بدنی متوقف می‌شود (قابل دسترسی در وب سایت: <http://danshnameh.roshd.ir.2008>)

دو نظریه متفاوت در این باره بین دانشمندان متداول است: نظریه الگوی هنجاری - بحرانی و دیگری نظریه الگوی زمانی واقعه‌ها. روانشناسان سنتی به الگوی اول و روانشناسان دیگر به ترکیب هر دو الگو با تأکید بر الگوی دوم باور دارند. رشد آدمی بخصوص در سنین بالای ۲۰ سال را نمی‌توان به صورت مرحله‌ای یعنی در چهارچوب الگوی هنجاری- بحرانی تقسیم‌بندی کرد. به همین دلیل ترجیحاً از اصطلاح دوره رشد جوانی، بزرگسالی پختگی و پیری استفاده می‌کنیم. تعیین‌کننده چگونگی رشد در این دوره‌ها وقایع زندگی است که در هر دوره اتفاق می‌افتد و رشد افراد را با وجود شباهت‌های آنان در یک دوره معین از یکدیگر متفاوت می‌سازد. نوع وقایع زندگی و زمان وقوع آن‌ها نقش مهمی در چگونگی تثبیت هویت جوانی دارد. مثلاً زمان وقوع ازدواج و چگونگی و ادامه آن، تأثیر بزرگی بر زندگی روانی فرد می‌گذارد و یا موقعیت تحصیلی و شغلی و یا ناکامی در آن‌ها به این ترتیب حوادث محیطی، در مقایسه با تحولات مرحله‌ای درونی، تأثیر بیشتری بر چگونگی هویت فرد در دوره جوانی به جای می‌گذارد. ساختار هویت در دوره جوانی، همچنین، شدیداً متأثر از زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی است. به هر حال، محتوای هویت فرد هر چه باشد، تثبیت آن عموماً در سنین جوانی رخ می‌دهد. در این دوره معمولاً استقلال کامل از والدین و تصمیم‌گیری شخصی و قبول مسوولیت زندگی حاصل می‌شود.

توانایی جوانان برای در نظر گرفتن تمام جوانب مسائل و یافتن دانش نسبتاً وسیع درباره هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و آگاهی از ضرورت یکپارچه بودن شخصیت بزرگسالی، زمینه‌های لازم را برای آنان فراهم می‌آورد تا به تثبیت هویت و انسجام خود برسند. در این دوره هویت شخصی آنان به صورت باورهای عمومی، ارزش‌ها و طرح و برنامه مشخص زندگی جلوه‌گر می‌شود (<http://danshnameh.roshd.ir> (2008)).

آنان هویتی می‌یابند که حاکی از وقوف به شایستگی‌های تحصیلی، توانایی‌های بدنی، مهارت‌های شغلی و باورهای اجتماعی است و نقش‌های گوناگون خود در موقعیت‌های مختلف را به خوبی می‌شناسند و با تغییر موقعیت‌ها آنان نیز

نقش خود را تغییر می‌دهند. به این ترتیب آنان بطور فزاینده‌ای توانایی‌های رفتار بهنجار در شرایط گوناگون ولی متضاد را از خود بروز می‌دهند و انطباق استانداردهای مطلوب خود را با واقعیت‌های زندگی به عنوان یک وظیفه اساسی در دوره جوانی پیش رویشان قرار گیرد. تثبیت هویت و انسجام خود در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی متفاوت از یکدیگر است. تحقیقات مارکوس و کیتایاما نشان می‌دهد که در فرهنگ‌هایی که بر جنبه استقلال فردی تاکید می‌کنند، هویت افراد نیز بیشتر حالت فردگرایی، خودمختاری و اتکای به خود دارد. در حالی که در فرهنگ‌هایی که بر وابستگی‌های جمعی تاکید می‌شود، حالات دیگری از هویت مانند جمع گرایی، وابستگی، اتکای به غیر و جامعه محوری مورد نظر جوانان قرار می‌گیرد.

این محققان می‌گویند جوانانی که فرهنگشان بر استقلال فردی تاکید دارد، افرادی متمایز، پی‌گیر در هدف‌های شخصی، متمرکز بر اندیشه‌ها و عقاید خویش بار می‌آیند. اما برعکس جوانانی که فرهنگ آنان بر ارتباط و وابستگی افراد به یکدیگر تاکید می‌کند، فردی با سعی در سازگاری خود با اهداف دیگران می‌شوند که یاد می‌گیرند که در هر مورد ذهن دیگران را بخوانند و خود را بر آن منطبق سازند. این دو نوع هویت باعث می‌شود که مسائل جوانان متعلق به فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر همانند نباشد. در مورد دوم که با تثبیت هویت در میان بیشتر جوانان کشور ما همانندی دارد. فرد آن همه آزاد نیست که هر طور بخواهد فکر کند و یا هرچه را شخصاً می‌پسندد، انتخاب کند و به همین دلیل تثبیت هویت تا حد زیادی متأثر از الگوهای فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی است. به جز در میان جوانان طبقات مرفه‌تر و تحصیل کرده‌تر که عمدتاً بر استقلال فردی خود تاکید دارند. در میان اکثریت مردم یعنی در طبقات متوسط و پایین و در بین گروه‌های سنتی و در میان زنان ایرانی، تثبیت هویت با استقلال فردی بسیار کمتری همراه است. حد و مرز ایفای نقش‌های بزرگسالی در میان گروه‌های سنتی جامعه از قبل معین شده و جوانانی که از آن محدوده پا فراتر گذارند و در صدد سنت‌شکنی برآیند، با مشکلات جدی در خانواده و جامعه مواجه خواهند شد. این وضعیت موجب می‌شود که بیشتر مردم در چهارچوب‌های تمرکزگرایی فکری و رفتاری بیندیشند و عمل کنند و الگوهای موجود برای زندگی را لایزال و غیرقابل تغییر بشمارند (شریفی، ۱۳۹۰).

-مشکلات روانی و حل آن در دوره جوانی: زندگی فردی در مراحل قبلی زندگی تأثیر زیادی در شیوه زندگی او در دوره جوانی دارد. به عبارتی طرح زندگی در این دوران طرحی است که پایه‌ها و اساس آن در مراحل قبلی ریخته شده است. با این حال این دوره سنی نیز مسائل و مشکلات ویژه خود را داراست تصمیم‌گیری‌های فرد در این دوره حائز اهمیت فراوانی است و یکی از مشکلات رایج این دوران مساله تصمیم‌گیری است. جوانانی که در تصمیم‌گیری و اجرای اهداف و انتخاب راه‌های مربوط به مسائل زندگی خود مشکل پیدا می‌کنند، معمولاً مشکلات دیگری را نیز تجربه خواهند

کرد. بر این اساس مشکل تصمیم‌گیری از مشکلات رایج جوانان است که معمولاً علت یابی و آموزش روش‌های صحیح انتخاب و تصمیم‌گیری قابل حل خواهد بود.

مشکلات و ناراحتی‌های مربوط به افسردگی و اختلالات خلقی و اضطرابی نیز در این دوران شیوع بیشتری پیدا می‌کنند و برخی اختلالات روحی و روانی نقطه شروع در این دوران دارند. بطور کلی تحقیقات گوناگونی که انجام شده نشان دهنده شیوع فراوانی افسردگی، وابستگی دارویی و بی‌اشتهایی عصبی با رژیم غذایی سخت و خودکشی است. خودکشی به مفهوم واقعی در دوران کودکی وجود ندارد، اما ویژگی منحصر به فرد نوجوانی و جوانی این است که در برخی موارد طی این دوران تلاش برای خودکشی به اوج خود می‌رسد. هر چند وجود این مشکل به صورت اندیشه خودکشی مطرح باشد نه احترام به آن. همچنین مطالعات نشان می‌دهند که اختلالات شدیدی مثل اسکیزوفرنی در دوران جوانی بروز می‌کنند. همینطور اعتیاد و وابستگی دارویی در این دوران شیوع فراوان‌تری پیدا می‌کند، هر چند خاص این دوران نیستند و در مراحل بعدی زندگی بزرگسالی نیز می‌توانند تظاهر پیدا کنند.

مشکلات جسمی دوران جوانی: هر چند نتوان مشکلات و بیماری‌های زیادی را پیدا کرد که خاص دوران جوانی باشند. اما اغلب بیماری‌هایی وجود دارند که به دلیل شرایط خاص این مرحله تظاهرات بیشتری در این دوران پیدا می‌کنند. مثل بیماری ایدز و بیماری عفونی البته صحبت از این بیماری‌ها به عنوان بیماری‌های رایج در جوانی شاید چندان معنادار باشد به این دلیل که این دسته از اختلالات معمولاً در همراهی با سایر مراحل این دوران دیده می‌شوند مثل مشکلات روانی، اعتیاد، عدم حل مشکل ازدواج و ... مثلاً بیماری ایدز با فراهم نبودن شرایط مناسب برای ازدواج، عدم رشد روانی و شناختی کافی جوان برای کنترل غرایز و تمایلات، بیکاری ارتباط پیدا می‌کند و از اینرو شاهد درگیری بیشتر جوانان با این بیماری‌ها می‌شویم ([http://danshnameh.roshd.ir\(2008\)](http://danshnameh.roshd.ir(2008))).

بیکاری در دوران جوانی: دوران جوانی دوره آغاز فعالیت، سازندگی و بالندگی است. با توجه به شرایط اجتماعی جامعه معمولاً جوانان با مشکلات بیکاری در جوامع مختلف مواجه می‌شوند. که البته میزان درگیری فرد با این مشکل متأثر از شیوه زندگی او در گذشته و سایر عوامل خواهد بود. به طوری که افراد مختلف از لحاظ شدت و درجه درگیری با این مشکل متفاوت از یکدیگر خواهند بود. معمولاً افرادی که نوجوانی سالمی را گذرانده‌اند، مهارت‌های خوب شناختی و اجتماعی را کسب کرده‌اند بهتر می‌توانند از فرصت‌های شغلی استفاده کنند و توانایی‌های خود را به کار گیرند. جوانان پراکنجه، پر تلاش و پشتکار کمتر این مشکل را تجربه می‌کنند و در نتیجه کمتر با عوارض حاصل از بیکاری مواجه می‌شوند.

ازدواج و دوره جوانی: خیلی روشن است که ازدواج مهم‌ترین ویژگی منحصر به فرد دوران جوانی است. این ویژگی زمانی ممکن است به صورت یک معضل و یک مشکل همراه باشد. عدم رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی فرد معمولاً به مساله ازدواج در این دوران دامن می‌زند. اطلاع رسانی و آگاه سازی جوانان در خصوص یادگیری مهارت‌های شناختی مربوط به ازدواج و انجام انتخاب‌ها به تصمیم‌گیری‌های مناسب خواهد انجامید.

نتیجه گیری

آگاهی و شناخت از خصوصیات اخلاقی و ویژگی افراد جوان و نوجوان با تناسب دوره و زمانه می‌تواند بسیاری از سوء تفاهم‌ها را قبل از آنکه بتواند بین پدر و مادر و جوان به وجود آید برطرف سازد. درحالی که متأسفانه اکثر آنان به علت عدم آگاهی نمی‌توانند فرد جوان را درک نمایند و با ایشان همدل و همدرد باشند بلکه برعکس به مخالفت با فرد جوان می‌پردازند و در نتیجه ایشان را به سرکشی وادار می‌نمایند. جوانی سالم و طبیعی مستلزم کودکی سالم و طبیعی می‌باشد و بزرگسالی سالم و طبیعی مستلزم جوانی سالم و طبیعی است. عوامل و موانع موجود در راه جوان برای رسیدن به استقلال و آزاد اندیشی جوان و نوجوان را به پرخاشگری و پناه بردن به گروه‌هایی که به آنان فرصت تحقق آرزوها و تمایلات را می‌دهند، وادار می‌نماید. برای افرادی مثل پدر و مادر و مربیان که در تماس مستقیم و پیوسته با جوان می‌باشند و تمایل دارند که نفوذ بیشتری بر آنان داشته و آنان را در سایه چتر حمایتی خویش داشته باشند شناخت ویژگی و نیازهای این قشر برای آنان بسیار لازم است. میزان و ماهیت چنین شناختی بستگی فراوانی به احساس مسئولیت، علاقه، خواست، تلاش و امنیت روانی، اخلاقی، اقتصادی و زمانی دارد. با توجه به وجود نکات فوق اگر آنان از ویژگی‌های افراد جوان در زمینه‌های جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آگاه باشند با نیازها، علایق و استعدادهاى ایشان نیز آشنا می‌گردند اما بر عکس اگر پدر و مادر و اطرافیان و افراد جامعه به شناخت خصوصیات و نیازهای روحی حال و آینده این قشر بی توجه باشند و در برخورد با ایشان سلیقه ای عمل نمایند و با رفتار و عملکرد نسنجیده موجبات سردرگمی را فراهم می‌نمایند، آنگاه است که باید منتظر وقوع طغیان، سرکشی و انواع ناهنجاری‌ها از طرف افراد جوان باشند.

منابع

- اکبری، محمود. (۱۳۸۲). دختران، پندها و هشدارها: نکته‌های تربیتی ویژه دختران جوان. تهران: گلستان ادب.
- پاینده، ابو القاسم. (۱۳۶۰). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۴ه). غررالحکم. ترجمه محمد انصاری. قم: نشر دارالحديث.
- حراغلی، محمد بن حسن. (۱۳۷۲). وسائل الشیعه. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۸۵). الحیاه. جلد سوم. تهران: دلیل ما.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۹۰). جوان و نیروی چهارم زندگی: اراده خودساز شخصیت. تهران: سروش.
- صدوق، ابی جعفر. (۱۳۶۲). علل الشرایع، به کوشش سید محمد جواد ذهنی. قم: مومنین.
- قرآن کریم.
- قمی (محدث قمی)، حاج شیخ عباس. (۱۴۰۰ه). سفینه البحار. ترجمه محمدرضا اعدادی. قم: اسوه.
- مجلسی اصفهانی، ملا محمد باقر بن محمد تقی. (۱۹۸۳م). بحار الانوار. بیروت: دارالحیاء.
- محدث نوری، میرزا حسین. (۱۳۲۱). مستدرک الوسائل. قم: المکتبه الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۱۶ه). میزان الحکمه. قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۸۵). المسالک و الممالک. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Religion And Young Today

Nahid Kohan

MA Graduated, Quran And Hadith Sciences Department, Islamic Azad University, Fasa Branch, Fasa, Iran (jahromsaba @ gmail.com)

Abstract

This study deals with the characteristics of Young, the value of adolescence and Young from the perspective of religious teachings. The purpose of this study is to analyze and explain the period of Young in the era in religious teachings and also to study the characteristics of Young. Young is one of the most important, crucial and sensitive stages of human life. This period of life, which begins after adolescence and lasts until middle age, has special features and events. During this period, great changes take place within the person. At this age, extremism, pride, self-knowledge, doubt, anxiety, fantasies, daring, strong reasoning of intelligence are at their highest. Talents peak. Hence, opportunity is a golden opportunity. Although human progress is formed at this age, the decline of the fall will also occur at this age. In the importance of this period, it is enough that according to the words of the Holy Prophet (PBUH), one of the most important things that will be questioned on the Day of Resurrection before taking a step is Young. Adolescence is associated with puberty. During this period, a kind of emotional, psychological and intellectual instability prevails in adolescents. They seek to establish their identity and to prove their personality. If adolescence goes well, adolescence will be more favorable. In today's world, Young as a social phenomenon throughout history, especially in the present age, is one of the most important and key issues. Islam, as a comprehensive school, attaches great importance to the growth and prosperity of the young generation. Therefore, by presenting roadmaps, it has provided the necessary arrangements for its realization. All psychologists who have commented on the mysteries and secrets of the human soul have called Young the most sensitive and stormy way of life. In this research, which uses descriptive-analytical method, the position of young people has been evaluated.

Keywords: Young, independence, etiquette, maturity, religious teachings.